



مدیر حقوق



شاپا چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

دوره ۷ - شماره ۲۱ - پاییز ۱۴۰۳

شرط التزام عام در پرتو رویه دیوان داوری ایکسید
امیرحسین یزدانی، ناصر علیدوستی شهرکی
 تحلیل حقوقی آراء صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص دعاوی مرتبط با ایران
سیما عباسی، شهرزاد دربندی
 مخاصمات اسرائیل و حماس در آئینه حقوق بین‌الملل کیفری (۲۰۲۳ میلادی)
محمد بابایی، نوید زمانه قدیم، داوود علیزاده
 نقش سبک زندگی و رعایت پروتکل های بهداشتی در پیشگیری از جرایم مرتبط با کووید-۱۹ از نظر کارشناسان در حقوق کیفری ایران
ایرج مروتی
 مدیریت ذخایر هیدروکربوری فرامرزی: همکاری به عنوان یک تعهد عرفی (با تأکید بر رأی دیوان بین‌المللی دریاها در سال ۲۰۱۷ میلادی در دعاوی غنا و ساحل عاج)
علی رضایی، سیدرسول طباطبایی مقدم
 حمایت کیفری از اطفال و نوجوانان در معرض خطر در حقوق ایران و لبنان
امین‌رضا بهار فلامرزی
 نحوه اداره اموال محجورین در حقوق ایران و ترکیه
سارا فرزادی مهر، محمدرضا حقیقی، اسماعیل عموری
 تحلیل و بررسی ماهیت جعله در نظام حقوقی ایران
امیرمحمد توکلی، محمدرضا عضدی، قاسم توکلی
 ماهیت و ابعاد حقوقی دستور موقت صادره از هیات حل اختلاف قراردادی وزارت نفت
شیدا غم افروز، محمدرضا افشاری، مهدی پیری
 حقوق سهامداران نهادی و سهامداران خرد در بازار سرمایه ایران
پریسا رضوان، علی زارع
 محدودیت‌های فعالیت نظامی کشورهای ثالث در منطقه انحصاری اقتصادی دولت ساحلی
محسن بهجتی
 فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران و انگلستان
زهره السادات مکی، اسماعیل کشکولیان
 مبانی حقوقی تاسیس مدارس غیردولتی در ایران با تأکید بر نقش آموزش و پرورش بر پیشگیری از وقوع جرم
مینا دانش آموز، حکیمه ابوالحسنی
 مسیرهای دموکراتیک و استبدادی در آینده حقوق بین‌الملل
سعید بهبودی نژاد
 شهرهای هوشمند و حقوق تجارت بین‌الملل
آرام عباسپور جلالی
 آثار حقوقی هنجارهای آمره: آن‌کس که جعبه پاندورا را گشود آیا به پیامدش فکر نمود؟
سهیل گلچین
 رابطه میان تعهدات شفافیت و سرمایه‌گذاری خارجی در انرژی‌های تجدیدپذیر: تحقق نقش بالقوه موافقتنامه‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری
یوسف اخلاقی
 سیاست کیفری ایران در قبال جرائم خاص نظامی نیروهای مسلح
یاسر شاکری



Analyzing and Investigating the Nature of Reward in the Iranian Law System

تحلیل و بررسی ماهیت جعاله در نظام حقوقی ایران

Amir Mohammad Tavakoli

PhD student in private law, Islamic Azad University, United Arab Emirates branch, Dubai, United Arab Emirates (Corresponding Author)

Mohammad Reza Azodi

Bachelor of Laws, Islamic Azad University, Islamshahr branch, Islamshahr, Iran

Ghasem Tavakoli

Master of Private Law, Islamic Azad University, Khorasgan Branch, Khorasgan, Iran

امیرمحمد توکلی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد امارات متحده عربی، دبی، امارات متحده عربی (نویسنده مسئول)

amirmohamad.tavakoli@gmail.com
<http://orcid.org/0009-0004-1283-5475>

محمدرضا عزدی

کارشناسی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، اسلامشهر، ایران
mohammadreza_azodi@yahoo.com
<http://orcid.org/0009-0002-0461-1880>

قاسم توکلی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، خوراسگان، ایران

tavakolii@outlook.com

Abstract

One of the most important economic issues that has a lot of use in law systems, especially in the Iranian law system, is the issue of blasphemy. There is always a difference of opinion among jurists regarding the nature of reward, that reward is a contract with a unilateral juridical act. Some have considered it as a unilateral juridical act" and some have considered it as a contract. In civil law, the nature of the contract is not clearly stated, but the contract is introduced as one of the specific contracts, and in the seventh chapter of this law, articles 561 to 570 are related to this issue. Assigned therefore, it is important to know the law nature of reward in terms of the conditions of realization and the effects and rulings that follow it. The purpose of the current research is to identify the nature of blasphemy in Iran's legal system. In the present study, which is using descriptive and analytical methods, we analyze the nature of the contract in the Iranian law system. The findings of the research show that the nature of the contract is the contract, because the agent decides with his own intention and consent to perform the contract. Therefore, it cannot be considered that the reward was concluded with only one will and the same thing. It excludes reward from the number of occurrences.

Keywords: Reward, Contract, Unilateral Juridical Act, Iranian Law System.

چکیده

یکی از مهم‌ترین مباحث اقتصادی که امروزه کاربرد بسیار زیادی در نظام‌های حقوقی به‌ویژه نظام حقوقی ایران دارد بحث جعاله است. در خصوص ماهیت جعاله، این که جعاله عقد است یا ایقاع همواره بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را ایقاع دانسته و برخی آن را عقد به شمار آورده‌اند. در قانون مدنی ماهیت جعاله به‌صورت روشن بیان نشده است بلکه جعاله به‌عنوان یکی از عقود معین معرفی شده و در فصل هفتم از این قانون ماده‌های ۵۶۱ الی ۵۷۰ را به این موضوع اختصاص داده است. لذا شناخت ماهیت حقوقی جعاله به لحاظ شرایط تحقق و آثار و احکامی که بر آن مترتب است حائز اهمیت است. هدف از پژوهش حاضر شناسایی ماهیت جعاله در نظام حقوقی ایران است. در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، ماهیت جعاله در نظام حقوقی ایران را مورد واکاوی قرار می‌دهیم. یافته‌های پژوهش نشانگر این است که ماهیت جعاله عقد است زیرا که عامل با قصد و رضای خویش تصمیم می‌گیرد مبادرت به انجام عمل نماید پس نمی‌توان جعاله را تنها با یک اراده منعقد شده دانست و همین امر جعاله را از شمار ایقاعات خارج می‌سازد.

واژگان کلیدی: جعاله، عقد، ایقاع، نظام حقوقی ایران.

Received: 2024/04/26 - Review: 2024/07/08 - Accepted: 2024/08/18

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۲۶ - بررسی مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۱۸

ارجاع:

توکلی، امیرمحمد؛ عضدی، محمدرضا؛ توکلی، قاسم؛ (۱۴۰۳)، تحلیل و بررسی ماهیت جعاله در نظام حقوقی ایران، تمدن حقوقی، شماره ۲۱.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

جعاله یکی از معاملات مشروع در مکتب فقهی اسلام است که در تمام کتاب‌های فقهی اعم از امامیه و اهل سنت، احکام و آثار مترتب بر آن، نسبتاً به تفصیل، مورد بررسی قرار گرفته است. اما برخلاف ابوابی چون بیع که رویکرد فقیهان به آن، به گونه‌ای است که گویا اساس و شالوده سایر عقود محسوب می‌شود و بر همین اساس، احکام عمومی آن را به عقود مشابه تسری می‌دهند، رویکردشان نسبت به جعاله، صرفاً به رد مال و احیاناً انجام عمل با چهارچوب بسیار محدود منحصر شده است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۶، ۳۴).

بنابراین نظر مشهور فقها جعاله را عقد می‌دانند و تفاوتی بین جعاله عام و جعاله خاص قائل نشده‌اند. در مقابل عده‌ای از متقدمین و اکثریت متأخرین قائل به ایقاع بودن جعاله هستند. در کنار این موارد، دیدگاه‌های دیگری نیز تحت عنوان ماهیت تسیبی جعاله و همچنین اقتضایی بودن آن نیز در کلام فقها دیده می‌شود. از سوی دیگر، در این خصوص میان حقوقدانان همچون فقها اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از آنان رویکرد عقد بودن جعاله و عده‌ای دیگر رویکرد ایقاعی را پذیرفته‌اند. عده‌ای نیز بین جعاله عام و خاص قائل به تفکیک شده‌اند. آنچه به نظر می‌رسد این است که هریک از نظرات مطرح شده به نوعی قابل پذیرش و به جهاتی قابل ایراد است؛ بنابراین با توجه به جمیع ادله و آثار و احکام و مصادیق جعاله، به نظر می‌رسد پذیرش ماهیت وسیعی برای جعاله خالی از قوت نیست.

پرسش پژوهش حاضر این است که ماهیت جعاله در نظام حقوقی ایران به چه صورت می‌باشد؟ فرضیه نوشتار بدین صورت است که برخی از حقوقدانان و قانون‌گذار در قانون مدنی در قسمت عقود معین معتقد به این هستند که ماهیت جعاله عقد است و برخی دیگر بر این باور هستند که ماهیت جعاله ایقاع است و هر کدام نظرات مختلفی را در این خصوص بیان نموده‌اند لذا در پژوهش حاضر این نظرات را مورد کنکاش قرار خواهیم داد.

تألیفات متعددی در خصوص ماهیت جعاله صورت گرفته است. فرزانه احمدی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی به مطالعه ماهیت جعاله پرداخته‌اند. علیرضا گیتی نژاد (۱۴۰۱)، در پایان‌نامه خود به مبانی فقهی و حقوقی قانون مدنی در بخش جعاله پرداخته است. همچنین اعظم حیدری و همکار (۱۳۹۷)، در پژوهشی به مطالعه ماهیت جعاله در فقه امامیه، حقوق ایران و غرب پرداخته‌اند. اما در تحقیق‌های انجام شده در خصوص همین موضوع توجه چندانی به بعد حقوقی جعاله نشده است که در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود و از نوآوری‌های نوشتار حاضر محسوب می‌گردد. با این وجود در پژوهش حاضر ابتدا به تعریف جعاله و ارکان آن سپس ماهیت جعاله از منظر حقوق ایران و تطبیق با فقه مورد تحلیل و بررسی قرار خواهیم داد.

۱- تعریف جعاله

جُعَاله از ریشه جُعَلَ که در لغت به معنای آنچه که برای انجام عملی قرارداد شده است، است. در این معنا جعاله، جَعَاله و جَعِیله هم خوانده می‌شود (جوهری، ۱۴۱۰ق. ۱۵۶) و (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ۲۳۰) و (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۴۶۰). جعاله در اصطلاح، صیغه‌ای است که نتیجه آن تحصیل منفعت در مقابل عوض، همراه با عدم شرط انجام عمل با علم و عوض است (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۵، ۳۳۷).

برخی از فقها در تعریف اصطلاحی جعاله بیان می‌کنند که جعاله عبارت است از، انشاء التزام به عوض معلوم برای انجام عملی که مشروع و مورد غرض عقلاً قرار می‌گیرد؛ و معتقدند که جعاله هیچ حقیقتی فراتر از حقیقت لغوی ندارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۵، ۱۸۷). در تعریف دیگری؛ جعاله عبارت است از ملتزم شدن به عوض معلومی بر کاری که مورد قصد و توجه باشد (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱، ۵۸۶). همچنین ماده ۵۶۱ قانون مدنی در تعریف جعاله مقرر می‌دارد: «جعاله عبارت است از التزام شخصی به اداء اجرت معلوم در مقابل عملی اعم از این که طرف معین باشد یا غیر معین». همچنین ماده ۶۶ آیین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب ۱۳۶۲ در تعریف جعاله مقرر می‌دارد: «جعاله عبارت است از

التزام شخص «جاعل» یا «کارفرما» به ادای مبلغ یا اجرت معلوم (جعل) در مقابل انجام عملی معین، طبق قرارداد، طرفی که عمل را انجام می‌دهد، «عامل» یا «بیمانکار» نامیده می‌شود».

۲- ارکان جعاله

۲-۱- صیغه جعاله

از آن جا که اصل در عقود ایران، رضایی بودن عقود آنها است و جعاله نیز از جمله عقود رضایی محسوب می‌شود لذا برای صیغه آن تلفظ الفاظ خاصی نیاز نیست، بنابراین هر لفظ یا عبارتی که حاوی رضایت و قصد انعقاد جعاله باشد برای ایجاد صیغه آن کافی است. جعاله از طریق معاطات را نیز می‌توان منعقد ساخت یعنی می‌توان بدون استفاده از کلام و لفظ صیغه، جعاله را از طریق آگهی منعقد ساخت (رئسی، ۱۳۷۳، ۷۷). با این اوصاف، اولین رکن از ارکان جعاله ایجاب است و صدور ایجاب توسط جاعل انجام می‌شود (حسن زاده و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۰۳).

برخی از فقها بیان می‌دارند؛ صیغه جعاله یکی از شروط تحقق جعاله است که بدون انشاء آن عامل، مستحق عوض نخواهد شد. علامه حلی در کتاب شرایع الاسلام بیان می‌دارد: «اگر جاعل جعاله را برای شخصی معین کند و دیگری عمل را انجام دهد، عمل او باطل است» (محقق حلی، ۱۳۳۴ق، ج ۳، ۱۶۵) و بعضی دیگر از فقها معتقدند که اگر بدون انشاء صیغه جعاله، شخصی عمل را انجام دهد مستحق عوض نخواهد بود، اگر چه برخی از فقها می‌گویند چون عمل انسان محترم است، مستحق اجرت است. از این رو، در صیغه جعاله احتیاجی به تلفظ الفاظ مخصوصی نیست بلکه هر لفظی که صیغه جعاله را برساند کافی است (کاتوزیان، ۱۴۰۲، ج ۲، ۲۴۸)، هر لفظی که دلالت بر اذن برای جعاله کند.

۲-۲- جاعل

جاعل یا کارفرما به کسی اطلاق می‌شود که درخواست انجام کار می‌کند، به نظر فقها و حقوقدانان، جاعل باید اهلیت کامل در تصرف داشته (محمور نباشد) و با رشد، عقل، بلوغ، قصد خود و اختیار جعاله را منعقد کرده باشد (شهید ثانی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ۴۴۲). جاعل می‌تواند فرد ناشناخته باشد؛ مثل این که کسی اعلام کند؛ هر کس گمشده فلانی را پیدا کند، من فلان مبلغ را به او می‌دهم که در این صورت پرداخت جعل (مزد و اجرت) بر عهده او خواهد بود نه صاحب گمشده. مگر این که از سوی مالک مأمور به این کار شده باشد. جاعل باید بالغ و عاقل باشد و از تصرف در اموال خود منع نشده باشد، چون جاعل بذل‌کننده مال و

عوض است پس نباید از تصرف در اموال خود ممنوع باشد، برخلاف عامل؛ زیرا او با انجام دادن کار مستحق دستمزد می‌شود. در عقد جعاله، ایجاب از طرف جاعل می‌شود و این ایجاب حاوی التزام به پرداختن پاداش یا عوضی در برابر انجام دادن کار معین است (کاتوزیان، ۱۴۰۲، ج ۱، ۲۹۳).

اگر جاعل دستمزد را برای شخص خاص معین کند اما کس دیگری عمل را انجام دهد، او متبرع است و کار را مجانی انجام داده است و چیزی برای وی نخواهد بود و نیز چیزی به آن شخص معین تعلق نمی‌گیرد چون او کار مورد نظر را انجام نداده است. کاری را که جاعل می‌گوید برای او انجام دهند باید حرام یا بی‌فایده نباشد پس اگر بگوید هر کس شراب بخورد یا به جای تاریکی برود فلان مبلغ را به او می‌دهم جعاله صحیح نیست. همچنین کار مورد درخواست جاعل نباید از کارهای واجب بر او باشد، مثل نماز خواندن که جعاله در این موارد صحیح نیست.

پیش از آن که عامل شروع به کار کند جاعل اگر بخواهد می‌تواند جعاله را بر هم زند، یعنی جعاله پیش از انجام کار نسبت به او جایز است، اما بعد از این که عامل شروع به کار کرد جاعل بخواهد جعاله را بر هم زند اشکال دارد، زیرا باید مزد مقدار کاری را که عامل انجام داده به او بدهد و مابقی کار را که عامل در گذشته کرده، خود او آن را انجام بدهد و اگر جاعل فسخ کند و عامل خبر نداشته باشد و کار را تمام کند در این صورت عامل می‌تواند تمام مزد تعیین شده را بگیرد. اگر جاعل مزد را برای تمام کردن عمل قرار بگذارد مثل پیدا کردن اسب که تا تمام نشود برای جاعل فایده ندارد عامل نمی‌تواند مطالبه مزد و عوض بکند. جاعل زمانی که اعلام می‌دارد هر کس فلان عمل را انجام دهد و یا گمشده‌ای را برای وی پیدا کند مطمئناً در نظر ندارد که عمل مجانی انجام شود و اگر منظور جاعل تبرعی بودن است باید برای آن اجرت قرار دهد که در لسان فقها به آن جعل می‌گویند.

۲-۳- عامل

عامل یا قابل به کسی اطلاق می‌شود که کار درخواستی را انجام دهد. برخی از فقهای شیعه از جمله شیخ محمدحسن نجفی در جواهر الکلام، در مورد عامل، قدرت داشتن او را بر انجام دادن کار مورد نظر شرط نموده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۵، ۱۸۸). حتی کودک ممیز هم می‌تواند عامل باشد؛ ولی در مورد امکان عامل بودن کودک غیرممیز و نیز مجنون اختلاف نظر وجود دارد. چون عامل در ایجاد التزام جاعل دخالت ندارد و هر گاه کار معهود را انجام دهد، به مقتضای سببی که از پیش به وجود آمده

است، حق پاداش گرفتن را می‌یابد. با این تعبیر، چون در ساختمان حقوقی جعاله دخالت ندارد، لازم نیست اهلیت تصرف داشته باشد و صغیر ممیز و سفیه و حتی به گفته بعضی مجنون و صغیر غیر ممیز نیز، می‌توانند طرف جعاله قرار بگیرند (امامی، ۱۴۰۰، ج ۲، ۲۰).

اگر عامل پیش از قرارداد کار را انجام داده باشد یا بعد از قرار داد به قصد این که پول نگیرد انجام دهد حقی برای دریافت مزد ندارد، عامل می‌تواند عمل را ناتمام بگذارد ولی اگر تمام نکردن باعث ضرر جاعل شود، باید آن را تمام نماید. به عنوان نمونه، اگر کسی بگوید هر کس چشم مرا عمل کند فلان مقدار را به او می‌دهم و دکتر جراحی شروع به عمل کند، چنانچه طوری باشد که اگر عمل را ناتمام بگذارد چشم معیوب می‌شود، باید آن را تمام نماید و در صورتی که ناتمام بگذارد، حقی بر جاعل ندارد. به نظر فقها و طبق قانون مدنی ایران، عامل امین اموالی است که به سبب جعاله در اختیار او قرار می‌گیرد. جعاله از طرف عامل جایز است چه قبل از شروع به عمل باشد یا بعد از آن.

۲-۴- عمل

عمل یکی از عوضین در عقد جعاله است که عامل عهده دار آن عمل می‌گردد. عمل در جعاله نمی‌تواند از جمیع جهات مبهم باشد؛ بنابراین عملی که مورد جعاله قرار می‌گیرد، مانند مورد تمام معاملات طبق ماده ۲۱۵ قانون مدنی باید متضمن منفعت عقلایی باشد، به همین جهت قانون مدنی در ماده ۵۷۰ شرایط صحت عمل را همچنان که فقهای امامیه بیان داشته‌اند صحیح نمی‌داند و جعاله در برابر اجاره این مزیت را دارا است که در آن کار موضوع التزام می‌تواند مجهول باشد. قانون مدنی در تأیید همین نظر مقرر می‌دارد: «در جعاله، گذشته از عدم لزوم تعیین عامل، ممکن است عمل هم مردد و کیفیات آن نامعلوم باشد (کاتوزیان، ۱۴۰۲، ج ۱، ۲۹۵).

لذا امکان مجهول ماندن دو عوض تا جایی امکان دارد که تعهد ناشی از عقد از نظر حقوقی قابل احراز باشد و دادرس بتواند آن را موضوع حکم قرار دهد، زیرا دینی که موضوع آن به طور کلی مجهول بماند یا تعیین میزان و چگونگی آن به عهده مدیون واگذار شود از نظر حقوقی دین نیست. این نکته را از مفهوم ماده ۲۱۶ قانون مدنی نیز به خودی خود می‌توان استنباط کرد، زیرا در آن تنها قراردادی مجاز شناخته می‌شود که طرفین حداقل علم اجمالی به موضوع آن داشته باشند و حتی به طور استثنایی نیز نمی‌توان پیمانی بست که موضوع آن به کلی مجهول باشد.

جعاله از پیمان‌هایی است که در آن علم اجمالی به موضوع تعهد کافی است و همین اندازه که عمل و اجرت، قابلیت تعیین را داشته باشد قرا داد درست است (کاتوزیان، ۱۴۰۲، ج ۱، ۲۹۶) و مورد معامله باید مالیت داشته باشد. به‌عنوان مثال، در روزی که بازار تعطیل است، شخصی بگوید هر کس تمام مغازه‌های بازار را برای پیدا کردن انگشتر من بازرسی کند فلان مبلغ را به او می‌دهم که باز کردن مغازه‌ها خلاف قانون و شرع است. همچنین هر گاه کسی بگوید، هر کس در یک وعده شش کیلو غذا بخورد فلان مقدار را به او می‌دهم این عمل غیرعقلایی است و هیچ گونه نفع فردی واجتماعی ندارد (امامی، ۱۴۰۰، ج ۲، ۱۲۴) و باید او مال و عوض را بپردازد، نه مالک مگر این که از سوی مالک مأمور به این کار شده باشد (یعنی مالک مزدی قرار دهد)، برای کسی که بنده را باز می‌گرداند، خواه یک نفر بازگرداند یا چند نفر (آن گاه چند نفر او را باز گردانند، همگی به‌طور مساوی مستحق آن اجرت می‌شوند) و اگر عمل مورد جعاله غیر از باز گرداندن بنده باشد و از اعمالی باشد که بتواند به‌طور کامل از چند نفر صادر شود، مانند آن که بگوید هر کس وارد منزل من شود فلان قدر به او می‌دهم، البته در صورتی که غرض صحیحی به این کار تعلق بگیرد، در این صورت هریک از آن‌ها مستحق تمام دستمزد تعیین شده می‌شوند (کافیان، ۱۳۹۵، ۲۷).

۲-۵- عوض یا جعل

عوض در جعاله بنا بر مشهور باید با پیمانه یا وزن یا شمارش و یا غیر آن در حدی که رفع غرر گردد معلوم باشد؛ بنابراین جعاله در صورت مجهول بودن عوض باطل است. برخی بیان داشته‌اند مراد قائلان به اشتراط معلوم بودن عوض در جعاله، بطلان عوض است نه اصل عقد و در نتیجه عامل مستحق اجرت المثل خواهد بود، البته در صورت بطلان عقد نیز عامل مستحق اجرت المثل است با این تفاوت که در صورت صحت جعاله و بطلان عوض اجرت المثل در جعاله عوض واقع می‌شود؛ لیکن بنا بر قول جمعی در صورتی که جهالت مانع تسلیم عوض نباشد اشکالی ندارد، مانند آن که جاعل بگوید هر کس فلان گمشده را بیابد، نصف آن از آن او باشد و یا صاحب کالا به دلال بگوید از فلان مبلغ هر چه بیشتر فروختی از آن خودت باشد (سیستانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ۳۱۱).

بنابراین این نکته حائز اهمیت است که قانون‌گذار شرایط خاصی برای جعل در نظر نگرفته است همچنان که فقهاء شروطی برای آن منظور نکرده‌اند.

۳- ماهیت حقوقی جعاله

قبل از ورود به بحث پیرامون ماهیت حقوقی جعاله لازم است نخست به صورت مختصر به مباحث مقدماتی پردازیم، این که اساساً جعاله عمل حقوقی است یا واقعه حقوقی، عقد است یا ایقاع؛ عهدی است یا تملیکی و در نهایت اگر جزو عقود است عقدی لازم است یا جایز، سپس به تفصیل به ماهیت جعاله می‌پردازیم.

در خصوص عمل حقوقی و واقعه حقوقی می‌توان بیان داشت که، در میان تعاریف ارائه شده از سوی حقوقدانان در بیان ماهیت اعمال حقوقی در برابر وقایع حقوقی آنچه که بیشترین ارتباط و پیوند را با موضوع دارد تعریفی است که عمل حقوقی را کاری ارادی می‌داند که اثر حقوقی آن کار با آنچه فاعل می‌خواهد منطبق است. به دیگر سخن، عمل حقوقی اعلام اراده‌ای است که به منظور ایجاد اثر حقوقی خاص انجام می‌شود و قانون نیز اثر دلخواه را بر آن بار می‌کند. در مقابل، واقعه حقوقی به معنی خاص، دسته‌ای از وقایع است که آثار حقوقی آن نتیجه اراده شخص نیست و به حکم قانون به وجود می‌آید، خواه ایجاد واقعه ارادی یا غیرارادی باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۱۰۳).

از تعریف مذکور چنین به نظر می‌رسد که اراده فاعل در عمل حقوقی منشأ تمام آثار حقوقی بوده و حال آن که در واقعه حقوقی وضع این گونه نیست و صرف نظر از خواست و اراده فاعل، اثر اعطایی به آنچه انجام شده است صرفاً توسط قانون صورت گرفته است، اما این واقعیت نیست. زیرا در اعمال حقوقی هم آثار بی‌شماری هستند که خارج از خواست و اراده فاعل به عمل تعلق می‌گیرند. البته درست است که فاعل عمل را ایجاد می‌کند اما تمام آثار تعلق گرفته به عمل ناشی از اراده او نیست. لذا بهتر است از نظر آن دسته از حقوقدان‌هایی پیروی کنیم که تفاوت عمل حقوقی با واقعه حقوقی را در اعتباری بودن اولی و مادی بودن دومی می‌دانند به نحوی که عمل حقوقی ناشی از دخالت مستقل اراده فاعل و واقعه حقوقی همراه با دخالت عوامل خارجی است (شهیدی، ۱۳۹۷، ج ۱، ۴۷).

در خصوص عقد و ایقاع نیز بیان شد که عمل حقوقی با دخالت مستقیم عامل به منظور ایجاد آثار حقوقی پذیرفته شده توسط قانون ایجاد می‌شود، لذا اراده فاعل منجر به خلق و ایجاد عمل است. حال باید خاطر نشان ساخت که این عمل گاهی تنها با یک اراده ایجاد می‌شود و گاه به بیش از یک اراده نیاز دارد. پس در این بین، عقد ناشی از توافق دو اراده است که باید هر دو جنبه انشایی داشته باشند و به منظور خلق اثر حقوقی با هم توافق کنند، حال آن که ایقاع عمل حقوقی است که تنها با یک اراده محقق است و نیاز به توافق با اراده دیگری ندارد. در خصوص عقود عهدی و عقود تملیکی می‌دانیم که تملیک در حقوق ما

می‌تواند نتیجه مستقیم و بلاواسطه عقد باشد بی‌آن که نیازی به تعهدی در این خصوص باشد، استفاده از لفظ وصی تملیکی در برابر وصیت عهدی در ماده ۳۲۵ قانون مدنی حاکی از مطلب فوق است. لذا بهترین تعریف ارائه شده از عقود عهدی عبارت است از این که هر گاه نتیجه قرارداد با عقد ایجاد و انتقال یا سقوط تعهد باشد عقد را عهدی می‌نامند و هر گاه عقد به‌طور مستقیم باعث ایجاد حق عینی یا باعث انتقال حق مالکیت شود عقد را تملیکی می‌نامند (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۷۸).

در خصوص عقد لازم ماده ۱۸۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «عقد لازم آن است که هیچ یک از طرفین معامله حق فسخ آن را نداشته باشد مگر در موارد معین». پس عقد لازم حتی با فوت یا جنون یا سفاهت طرفین عقد هم بر هم نخواهد خورد و تنها مجوز برای بر هم زدن عقد لازم موارد خاصی است که در هریک از عقود با توجه به شرایط و ویژگی‌های عقد می‌باید به صراحت در قانون پیش‌بینی شده باشد. در کنار موارد مصرح در قانون انواع خیارات و اقاله توسط طرفین هم از دیگر طرق انحصاری بر هم زدن عقد لازم‌اند. در برابر عقود لازم، ماده ۱۸۶ قانون مدنی عقد جایز را چنین تعریف می‌کند: «عقد جایز آن است که هریک از طرفین بتواند هر وقتی بخواهد آن را فسخ کند». پس علی‌الأصول امکان بر هم زدن عقد جایز در هر لحظه‌ای ممکن است. لذا این عقود با فوت جنون و سفه طرفین نیز منحل خواهند شد. بعد از روشن شدن پاره‌ای از مفاهیم و موضوعات که در فهم بهتر مسئله ما را یاری خواهند کرد وارد بحث اصلی شده و به ماهیت حقوقی جعاله می‌پردازیم.

ابتدا باز هم باید خاطر نشان سازیم که جعاله عمل حقوقی است که در عقد با ایقاع بودن آن اختلاف نظر بسیار است، اما در عهدی بودن و جایز بودن آن همه متفق القول و با یکدیگر هم عقیده‌اند. عبارات و الفاظ به کار گرفته شده در مواد ۵۶۱ قانون مدنی در باب جعاله خود حاکی از ابهامات و اختلاف نظرهای وارد در خصوص ماهیت جعاله است. به گونه‌ای که قانون‌گذار نیز نتوانسته است با قاطعیت نسبت به عقد یا ایقاع بودن جعاله در نهایت تصمیم‌گیری کند. استفاده از عباراتی چون التزام در ماده ۵۶۱ قانون مدنی و تعهد جایز به جای عقد جایز در ماده ۵۶۵ قانون مذکور گواه این مطلب است. ماهیت ویژه و منحصر به فرد جعاله و تفاوت‌هایی که با دیگر عقود دارد مانع از پذیرفتن قطعی آن به عنوان عقد در میان عده‌ای از صاحب نظرها است و از طرفی نقش پر اهمیت اراده عامل در استحقاق وی نسبت به جعل نیز باعث شده تا طرفداران نظریه عقد بودن جعاله بر نظر خود اصرار ورزند.

اختلاف نظر در ماهیت حقوقی جعاله سابقه‌ای طولانی در فقه دارد و از دیرباز همواره گروهی از فقها

آن را عقد دانسته و گروهی دیگر آن را ایقاع می‌دانند (حسینی عاملی، ۱۳۸۴، ج ۶، ۱۵۰). این تردیدها و اختلاف نظرها در عقاید علمای حقوقی نیز راه یافته و در آثار آن‌ها دیده می‌شود، عدم صراحت قانون مدنی در بیان ماهیت جعاله از یک سو و بیان جعاله در شمار عقود معین از سوی دیگر، در کنار امتناع قانون‌گذار در به کارگیری لفظ عقد در تعریف جعاله و نیز ساختار ویژه این نهاد که نیاز به تقارن عرفی بین ایجاب و قبول ندارد و ممکن است مدت‌ها میان آن‌ها فاصله افتد، همه از مواردی هستند که به تردیدها در این زمینه دامن زده‌اند.

با این وجود، در عقد بودن جعاله خاص کمتر تردید شده است. زیرا اگر کسی به دیگری پیشنهاد انجام کاری را در برابر گرفتن مبلغ معین بنماید و او پیشنهاد را بپذیرد و کار مورد نظر را انجام دهد منشأ تعهدها، توافق آن دو است و به دشواری می‌توان ادعا کرد که التزام جاعل به صرف اراده او ایجاد شده و قصد عامل در آن اثر نداشته است.

اشکال عمده در جایی است که جعاله به طرف عموم انشاء می‌شود و کسی پیش از آگاه شدن به التزام جاعل کار مورد نظر او را انجام می‌دهد، می‌گویند؛ در چنین حالتی نیز عامل مستحق اجرت مورد التزام است در حالی که این التزام را نمی‌توان به توافق اراده‌های آن دو منسوب کرد و برای آن مبنایی جز اراده منحصر جاعل وجود ندارد. ولی بر فرض که جاعل در برابر کسی که بدون اطلاع از پیشنهاد او کار مورد نظر را انجام داده است ملتزم به دادن پاداش باشد توجیه این التزام با ایقاع بودن جعاله ملازمه ندارد. زیرا این دعوی در موردی مطرح می‌شود که عامل پس از انجام کار از پیشنهاد جاعل آگاه شود و برای گرفتن پاداش به او رجوع کند. در این حالت، به جای این که ادعا شود اراده جاعل تنها وی را ملتزم به دادن پاداش کرده است می‌توان گفت که استحقاق عامل نسبت به جعل در نتیجه پذیرفتن پیشنهاد جاعل و توافق اراده هر دو طرف است (گیتی نژاد، ۱۴۰۱، ۱۷).

از این رو، در ادامه بحث و با توجه به مطالبی که بیان شد هر یک از حالات قابل تصور و نظریات وارده در خصوص ماهیت جعاله را ذیلاً مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴- بررسی تطبیقی ماهیت فقهی و حقوقی جعاله

۴-۱- عقدی بودن جعاله

طرفداران نظریه عقدی بودن جعاله دلایل خود را بر موارد زیر مبنای قرار داده‌اند:

اول- در قانون مدنی از جعاله و ذکر این نهاد در میان سایر عقود معین استدلال بر این است که جعاله از عقود است، زیرا که فرض صحیح بر این است که نظر قانون‌گذار نظر لغوی نمی‌باشد و ذکر جعاله در کنار سایر عقود معین حاکی از عقد بودن جعاله است. از طرفی آیا می‌توان پذیرفت که اراده یک طرفه و صرف جاعل به تنهایی برای ایجاد تعهد کافی است و با برعکس عامل نیز باید موافق باشد؟ اثبات تعهد یک طرفی در اکثر موارد بسیار دشوار است. جایی که تعهد به سبب توافق و با آگاهی دو طرف آن به وجود می‌آید طلبکار تلاش می‌کند تا دلایل اثبات حق خویش را هنگام انعقاد عقد تأمین کند. ولی هر گاه دین به صرف اراده مدیون ایجاد شود هیچ تضمینی در این زمینه وجود خواهد داشت.

دوم- درست است که در جعاله این جاعل است که برای ایجاد رابطه حقوقی تعیین تکلیف می‌کند و ایجاب را انشاء می‌کند. اما آیا اگر این ایجاب مورد قبول طرف دیگر اعم از معلوم یا نامعین و اهم از قبول لفظی با عملی واقع نشود آیا اصولاً می‌تواند منشاء اثر باشد؟ به‌طور کلی در ایقاعات هم ولو به‌طور ضمنی، قبول فرد و رضایت او لازم است^۱ لذا به‌طور کلی در روابط حقوقی افراد، قراردادی بودن است که عقد بودن عمل را توجیه می‌کند.

سوم- عده‌ای از حقوقدانان نیز برای عقد بودن جعاله این گونه استدلال کرده‌اند که ماده ۵۶۵ قانون مدنی برای جعاله دو طرف می‌شناسد. جعاله تعهدی است جایز و تا مادامی که عمل به اتمام نرسیده است هریک از طرفین می‌توانند رجوع کنند و نیز در ماده ۵۶۶ قانون مذکور فسخ جعاله پیش‌بینی شده است و مقرر می‌دارد: «هر گاه در جعاله عمل دارای اجزاء متعدد بوده و هریک از اجزاء مقصود بالاصاله جاعل بوده باشد و جعاله فسخ گردد...» و اگر بپذیریم که فسخ وسیله انحلال عقد است، پس جعاله عقد است. در همین راستا شیخ طوسی، ابن حمزه، محقق کرکی و یحیی بن سعید حلی از جمله فقهای هستند که جعاله را عقد می‌دانند (حسینی عاملی، ۱۳۸۴، ج ۶، ۶۷). از میان حقوقدانان معاصر نیز دکتر شهیدی و دکتر کاتوزیان از طرفداران نظریه عقد بودن جعاله هستند و معتقدند که استحقاق عامل در نتیجه پذیرفتن پیشنهاد جاعل و توافق بین دو طرف به وجود می‌آید گر چه این توافق به‌طور حتمی و با قبول عملی (نه قولی) عامل حاصل شود، پیشنهادهایی که مخاطب آن عموم افراد است، دوام ایجاب را اقتضاء دارد و نباید آن را نشانه از ایقاع بودن جعاله شمرد.

۱- غیر از طلاق که از مباحث ویژه حقوق خانواده است و از حوصله بحث ما خارج است.

۴-۲-۱ ایقاعی بودن جعاله

کسانی که معتقدند جعاله ایقاع است بیان می‌دارند، چون اراده یک جانبه جاعل صرفاً برای خود شخص منشأ تعهد است و از این رهگذر زیانی به کسی نمی‌رسد و از طرفی عاملی که از جریان قصد جاعل آگاه شده است می‌تواند به اراده یک جانبه خودش، خویش را ملتزم سازد و با عمل به موضوع جعاله، مستحق جعل شود سپس صرف علم عامل به قصد جاعل باعث ایجاد عقد نخواهد بود، زیرا عقد هنگامی به وجود می‌آید که ایجاب ناقص باشد و با قبول بعدی کامل شود و ایجاب به تنهایی برای وقوع عقد کافی نباشد، درحالی که این موارد در جعاله مقصود نیست پس نمی‌توان عقد بودن جعاله را پذیرفت. محقق حلی، علامه حلی، شهید اول، صاحب جواهر، امام خمینی (ره) و آیت الله خوبی و از حقوقدانان محمد بروجردی عبده و دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی از پیروان نظریه ایقاعی بودن جعاله‌اند (رئسی، ۱۳۷۳، ۶۷).

با این اوصاف، تفاوتی که می‌توان بین عقدی بودن جعاله با ایقاعی بودن آن دانست این است که؛ فرض کنیم فردی کیف حاوی مدارک خود را گم کرده و برای پیدا کردن آن اطلاعیه داده که هر کس کیف را پیدا کند ده میلیون تومان مژده گانی خواهد گرفت. حال فرض کنیم مأمور پلیس بدون این که اطلاعیه را شنیده باشد آن کیف را پیدا و از روی آدرس داخل کیف، آن را به صاحبش تحویل دهد؛ بنابر ایقاع بودن جعاله، ده میلیون تومان از نظر شرعی متعلق به این مأمور پلیس خواهد بود؛ چه آن که مقتضی برای استحقاق که عبارت است از انشای التزام جاعل و حاصل شدن عمل مطلوب، موجود است. اما اگر قائل به عقد بودن جعاله باشیم در این صورت باید بگوئیم چون قبولی واقع نشده و از آن جایی که وی اصلاً از وجود جعاله بر یافتن کیف مطلع نبوده پس مستحق جعل (ده میلیون تومان) هم نخواهد بود و جاعل می‌تواند از دادن مژده‌گانی خودداری کند.

بنابراین با توجه به آنچه در فوق ذکر شد به نظر می‌رسد بهترین نظر در خصوص ماهیت جعاله که قابلیت پذیرش داشته باشد، نظریه عقدی بودن جعاله است. زیرا که عامل با قصد و رضای خویش تصمیم می‌گیرد مبادرت به انجام عمل نماید، پس نمی‌توان جعاله را تنها با یک اراده منعقد شده دانست و همین امر جعاله را از شمار ایقاعات خارج می‌سازد.

۴-۳- تسبیبی بودن جعاله

تئوری سبب بودن جعاله بدین معنا است که جعاله عبارت است از سبب قرار دادن انجام عملی برای استحقاق پاداشی، چه قبولی از ناحیه عامل به آن ضمیمه شود چه نشود، چه سبب‌سازی نسبت به عموم مردم باشد و چه خطاب به شخص خاصی (حیدری و دادمرزی، ۱۳۹۷، ۶۶). مانند آن که بگوید هر کس خانه من را بسازد، فلان مبلغ را مالک می‌شود و چه خطاب به شخص خاصی، مانند آن که بگوید اگر تو خانه من را بسازی، مالک فلان مبلغ پول می‌شوی. در هر دو مثال فوق، جاعل، عمل خاصی را سبب استحقاق عامل نسبت به عوض قرار می‌دهد، هر زمان که عامل عمل مورد نظر جاعل را انجام دهد طبق آن سبب عمل کرده و استحقاق اجرت مذکور را دارد.

بر اساس این تئوری، جعاله تسبیبی است که از سوی شارع صادر شده است. منظور از تسبیبات عرفی امور غیرانشائی هستند که همچون علت و معلول تکوینی به شمار می‌آیند، با این تفاوت که در دایره امور اعتباری عمل می‌کنند. البته باید توجه داشت که محتوای سببی که التزام جاعل به تنهایی یا به همراه عامل به آن گره می‌خورد امری است غیرانشایی که از وجود خارجی مستقل برخوردار است؛ اما به‌عنوان واسطه‌ای برای شغل چنین التزامی عمل می‌کند. از جمله دلایلی که برای اثبات نظریه تسبیب عرفی قابل ذکر است، تحلیلی است که از تلقی عرف نسبت به چیستی جعاله انجام می‌دهیم. بدین صورت که وقتی ارتکاز عرفی را بررسی می‌کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که نزد عرف، جعاله سبب قرار دادن است؛ به این معنا که انجام کاری برای استحقاق جعل سبب قرار داده می‌شود (حیدری و دادمرزی، ۱۳۹۷، ۶۷).

از سوی برخی از حقوقدانان، این نظریه مورد نقد قرار گرفته است، بدین بیان که، جعاله هزاران سال در عرف و عادت، وجود داشته است و عرف اصلاً در اندیشه جعل سبب نبوده است. جعل سبب را حقوقدانان اختراع کرده‌اند نه عرف؛ بنابراین شایان ذکر است که این نظریه به‌صورت روشن ابتدا از سوی صاحب جواهر مطرح گردید. مبنای این نظریه روایتی از امام صادق (ع) است که از امام سؤال کردند که اگر کسی به دیگری بگوید به تو ده درهم عطاء می‌کنم و تو عمل خود را به من یاد بده یا من را شریک کن آیا صحیح است؟ امام فرمودند اگر راضی باشد صحیح است. منظور از رضایت، قبول عقدی نیست بلکه منظور، اشکال نداشتن با وجود تراضی طرفین بر آن امر است.

نتیجه

ماهیت جعاله از جمله مباحثی است که در فقه و حقوق مورد اختلاف است. چگونگی انشای ماده‌های قانونی این امر نشان می‌دهد که نویسندگان قانون مدنی نیز در این مورد تصمیم قاطعی نگرفته‌اند. فقهای امامیه از یک طرف جعاله را در شمار عقود معین آورده‌اند و از طرف دیگر در ماده ۵۶۱ قانون مدنی در تعریف جعاله از به کار بردن واژه «عقد» احتراز شده و به «الترام به اداء اجرت معلوم» تعبیر گشته است. چنان که از این تعریف به دست می‌آید جعاله یکی از معاملات معرض است. لذا جاعل مکلف است که پس از انجام کار عوض تعیین شده را بپردازد. جعاله یک تأسیس حقوقی ریشه دار در حقوق اسلامی است و تعریفی هم که در ماده ۵۶۱ قانون مدنی ارائه شده دقیقاً همان چیزی است که اکثر فقها مطرح نموده‌اند.

بنابراین با توجه با توجه به تحلیل‌های فقهی و حقوقی و به‌رغم اختلاف نظر بین حقوقدانان و فقها این نتیجه به دست می‌آید که درخصوص ماهیت جعاله که قابلیت پذیرش داشته باشد، نظریه عقدی بودن جعاله است. زیرا که عامل با قصد و رضای خویش تصمیم می‌گیرد مبادرت به انجام عمل نماید پس نمی‌توان جعاله را تنها با یک اراده منعقد شده دانست و همین امر جعاله را از شمار ایقاعات خارج می‌سازد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- احمدی، فرزانه؛ امینی، علیرضا؛ آیتی، سیدمحمدرضا، ۱۳۹۶، ماهیت جعاله، فصلنامه پژوهش‌های فقه و

حقوق اسلامی، شماره ۴۹.

- امامی، سیدحسن، ۱۴۰۰، حقوق مدنی، جلد دوم، چاپ بیست و نهم، تهران، انتشارات اسلامی.

- حسن زاده، مجتبی؛ براتی، مرتضی؛ شریعتمدار طهرانی، محمود، ۱۳۹۷، رویکردی به قوانین جعاله در نظام بانکداری اسلامی، **فصلنامه فقه و تاریخ تمدن**، شماره ۵۵.
- حیدری، اعظم و دادمرزی، سیدمهدی، ۱۳۹۷، مطالعه تطبیقی ماهیت جعاله در فقه امامیه، حقوق ایران و غرب، **فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، شماره ۲.
- رئیسی، مصطفی، ۱۳۷۳، **جعاله (آگهی، پاداش، پیمانکاری، کنترات و روزمزد) در اقتصاد اسلامی و حقوق ایران**، چاپ اول، قم، انتشارات بوستان کتاب.
- شهیدی، مهدی، ۱۳۹۷، **حقوق مدنی (تشکیل قراردادها)**، جلد اول، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات مجلد.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۹، **دوره مقدماتی حقوق مدنی (عقود معین)**، جلد اول، چاپ هشتم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۲، **دوره مقدماتی حقوق مدنی (اعمال حقوقی-ایقاع)**، چاپ دوم، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۴۰۲، **دوره مقدماتی حقوق مدنی درس‌هایی از عقود معین**، جلد اول و جلد دوم، چاپ سی و هفتم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- کافیان، پروین، ۱۳۹۵، بررسی احکام جعاله در فقه امامیه و نظام بانکداری ایران و فرانسه، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی**، دانشگاه پیام نور واحد کاشان.
- گیتی نژاد، علیرضا، ۱۴۰۱، **مبانی فقهی و حقوقی قانون مدنی در بخش جعاله**، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی**، دانشگاه پیام نور مرکز لرستان.
- عربی**
- ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا، ۱۴۰۴ق، **معجم مقاییس اللغة**، جلد اول، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۰ق، **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه**، جلد چهارم، چاپ اول، بیروت، انتشارات دارالعلم للملایین.
- حسینی عاملی، سیدمحمد جواد، ۱۳۸۴، **مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه**، جلد ششم، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

- سیستانی، سیدعلی، ۱۴۱۴ق، **المسائل المنتخبه العبادات و المعاملات**، جلد اول، قم، انتشارات باقیات.
- شهید ثانی، زین الدین، ۱۴۱۳ق، **مسالك الافهام**، قم، انتشارات مؤسسه معارف اسلامی.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۶۲، **مجمع البحرين**، جلد پنجم، چاپ سوم، تهران، انتشارات مرتضوی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، **کتاب العین**، جلد اول، چاپ دوم، قم، انتشارات هجرت.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، ۱۳۳۴ق، **شرايع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام**، جلد سوم، نجف، انتشارات مطبعه الاداب.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۹۰، **تحریر الوسيله**، جلد اول، چاپ دوم، قم، انتشارات دارالکتب العلمیه.
- نجفی، محمدحسن، ۱۴۰۴ق، **جواهر الکلام في شرح شرايع الاسلام**، جلد سی و پنجم، چاپ هفتم، بیروت، انتشارات دارأحیاء التراث العربی.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.21- Autumn 2024

The Procedure of Arbitration of ICSID about Umbrella Clause

Amirhosein Yazdani, Naser Alidoosti Shahraki

Legal Analysis of Opinions Issued by the International Court of Justice Regarding Lawsuits Related to Iran

Sima Abbasi, Shahrooz Darbandi

Conflicts between Israel and Hamas in the Mirror of International Criminal Law (2023 AD)

Mohammad Babaei, Navid Zamaneh Ghadim, Davood Alizadeh

The Role of Lifestyle and Adherence to Health Protocols in Preventing Crimes Related to COVID-19 According to Experts in Iranian Criminal Law

Iraj Morvati

Managing Transboundary Petroleum Deposits: Cooperation as a Customary Obligation

(with Emphasis on Final ICJ Award in 2017 between Ghana and Côte d'Ivoire)

Ali Rezaei, Sayyed Rasol Tabatabaei Moghaddam

Criminal Protection of Children and Adolescents at Risk in the Laws of Iran and Lebanon

Amin Reza Bahar Falamarzi

The Way of Managing the Property of Prisoners in Iranian and Turkish Laws

Sara Farzadi Mehr, Mohammadreza Haghighi, Esmail Amouri

Analyzing and Investigating the Nature of Reward in the Iranian Law System

Amir Mohammad Tavakoli, Mohammad Reza Azodi, Ghasem Tavakoli

Examining the Nature and Legal Dimensions of the Provisional Measures Issued by the Dispute Resolution Committee of the Ministry of Oil

Sheyda Ghamafroz, Mohammad Reza Afshari, Mehdi Piri

The Rights of Institutional Shareholders and Retail Shareholders in Iran's Capital Market

Parisa Rezvan, Ali Zare

Limitations on the Military Activity of Third States in the Exclusive Economic Zone of the Coastal State

Mohsen Behjati

Adoption in the Legal System of Iran and England

Zahra Makki, Esmail Kashkoulan

The Legal Basis of Establishing Non-governmental Schools in Iran, Emphasizing the Role of Education in Preventing Crime

Mina Daneshamooz, Hakimeh Abolhasani

Democratic and Authoritarian Paths in the Future of International Law

Saeid Behdoudi Nejad

Smart Cities and International Trade Law

Aram Abbaspour Jalali

The Effect of Jus Cogens Norms: Whoever Opened Pandora's Box, Did You Ever Think About the Consequences?

Soheil Golchin

The Relationship between Transparency Obligations and Foreign Investment in Renewable Energies: Realising the Potential Role of IIAs

Yusef Akhlaghi

Iran's Criminal Policy for Specific Military Crimes of the Armed Forces

Yasser Shakeri